



۲۰۲۱/۱۲/۰۷



ولی احمد نوری

رفتند و میرویم و دگرها روانه اند!!! پیام غمشریکی

با تن رنجور و دل نالان مینگارم

در حالی مینگارم که حواسم پریشان است و انگشتانم روی کمپیوتر میلرزند
در رثای ضیاع شخصیتی می نگارم که با کوه دانش و ادب، نمونه شکسته نفسی و تواضع بود
در سوگ انسان خداپرستی می نگارم که دلش برای انسان و انسانیت می تپید
از مرگ کسی می نگارم که حواس و رشحه قلم خود را وقف وطن و هموطنان مظلوم خود کرده بود
و بالاخره با عالمی خجالت مینگارم که این معروضه را زودتر تقدیم کرده نتوانستم. دوستان عزیزم مگر میدانند
که عذرم خواسته است و از مدت مدیدی در بستر بیماری بسر میبرم و توان کار فکری و جسمی از من گریخته
است.

شخصیتی از جهان ما رفت که عمر عزیزش را وقف دانش و قلم و فضل و ادب کرده بود؛ مرادم از استاد
فرزانه "محمد اسحاق نگارگر" است که چند روز پیش از جهان زندگان بُرید و رهسپار آستان اسیران خاک
گردید.

اگرچه انسان ها همه باهم برابرند مگر مرگ همه باهم یکسان نیست. مرگ اکثر مردم سبک است ولی مرگ
کسانی به مانند "استاد نگارگر" چون کوه هندوکش سنگین بود.

همه و به تحقیق می دانیم که "آمدن و رفتن" لازم و ملزوم همدند و "آمدن" را "رفتن" در قفاست؛ و اگر "رفتن"
نمی بود، "آمدن" معنایی نمی داشت؛ و این فحوای آیه مبارکه قرآنی «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» است. دوست
ادیب و شاعر، جناب "خلیل الله معروفی" مفهوم همین آیه متبرکه را در مصراع ریخته است که از مدت ها
قبل به خاطر سپرده بودم و اینک عنوان این سوگنامه اش گردانیدم.

در هر حال مرگ حق است و دامان هیچکس را رها نمی کند. با همین ایقان عرائضم را به آخر می برم و از
خداوند معتال و آفریدگار کون و مکان و خالق هردو جهان استدعاء دارم که روان دوست دانشور و از دست
رفته ام، مرحوم "استاد محمد اسحاق نگارگر" را در ذیل مراسم ایزدی خود در روضه رضوان و در کنار

خاصان و برگزیدگان خود، خوشنود بدارد و به بازماندگان ارجمند و بالاخص همسر گرامی آن مرحوم، صبر و شکیبائی عطاء فرماید.

زنده جاوید گشت، هرکه نکونام زیست!!!



برای مطالب دیگر ولی احمد نوری روی عکس کلیک کنید

